

کادوی عروسی

نویسنده: مریم امینی

سكانس يك، داخلي/هال، خانه، شب

سارا در حالی که لباس مجلسی برتن دارد و رویش مانتو پوشیده‌است، خود را جلوی آینه چک می‌کند و شکمش را می‌پوشاند. گوشی موبایلش را بر می‌دارد و شماره‌ای می‌گیرد. صدای باز شدن در شنیده می‌شود. سارا جلوی در می‌رود. فرید وارد می‌شود.

** سارا: چرا گوشیتو جوای نمیدی؟

** فرید: همین کارا رو می‌کنی قبض موبایلت صد تومن میاد. تو پارکینگم دیگه.

سارا در حالی که کت وشلوار به او می‌دهد.

** سارا: زود بپوش بریم. دیر شد.

** فرید: کجا دیر شد. عروس دومادا خودشون دیر میان.

** سارا: پول گرفتی؟

فرید به داخل اتاق می‌رود. سارا نیز او را دنبال می‌کند.

سكانس دو، داخلي، خانه/اتاق، شب

فرید داخل کشو دنبال چیزی می‌گردد.

** فرید: این پولی که من گذاشتم اینجا رو تو برداشتی؟

** سارا: پس بازم نگرفتی.

** فرید: گفت فردا می‌ریزه به حسابم.

** سارا: الان چی کار کنیم؟

** فرید: می‌خوایم بریم چند ساعت خوش باشیما. اگه گذاشتی؟ گفتم فردا می‌ده

دیگه.

** سارا: من برم بگم بخشید چون پول مارو فردا میدن کادو نیاوردیم.

** فرید: چیزی نمی‌خواد بگی. بعدا می بریم خونشون.

** سارا: سر عقد کادوها رو می خونن.

** فرید: حالا نمی‌تونستی آرایشگاه نری؟

فرید به سمت قلک می‌رود.

** سارا: پنجاه تومن می‌خواستی کادو بدی؟ تو اون پول نیست.

** فرید: خودم هر روز توش پول می ریختم.

فرید چشمش به سوراخ کف قلک می‌افتد که با کاغذی چسبانده شده است. صدای زنگ موبایل شنیده می‌شود.

** فرید: به اینم رحم نکردی.

فرید به حال می‌رود تا موبایلش را جواب دهد. سارا هم به دنبال او می‌رود.

سکانس سه، داخلی، خانه/هال، شب

** سارا: به جای اینکه من طلبکار باشم تو طلبکاری؟ واسه خودم مگه خرج کردم.

** فرید: دست خودت نیست. عادت کردی.

** سارا: چرا حرف بیخود می‌زنی.

** فرید: (با موبایل) الو... سلام... باور کنید من اوضاعم از شما بدتره...

** سارا: دنبال چی می‌گردی؟

** فرید: (با موبایل) چشم... گفتم چشم دیگه. شما یکم به من فرصت بده.

فرید گوشی موبایل را قطع می‌کند.

** فرید: بیا یکی از این ظرف‌ها رو براشون ببریم.

** سارا: مگه دیدن خونه می‌ری؟ عروسیه.

سارا دستش را جلو می‌برد تا ظرف را از او بگیرد.

** فرید: انگشترت.

** سارا: نشونمه.

** فرید: بخدا بهترشو می‌خرم برات.

** سارا: یادگاریه. اصلاً اینو چقدر می‌خرن مگه؟ بیا از مامان اینا قرض بگیریم؟

** فرید: می‌خوای آبروی منو ببری؟ بخاطر یه کادوی عروسی؟

سارا دفترچه‌ی بیمه را از کیفش در می‌آورد.

** سارا: امروز با پول قلک رفتم دکتر. کلی آزمایش و قرص نوشته. بچه که نداشتن

حالیش همیشه. باید می‌رفتم سونوگرافی. نرفتم.

** فرید: اصلاً یادم رفته بود. تا فردا درستش می‌کنم.

** سارا: فقط به فکر غرور خودتی.

صدای زنگ اف اف به گوش می‌رسد.

** فرید: مامانت اینا اینجا چی کار می‌کنن؟

** سارا: ماشینشون خراب شده بود من گفتم بیان اینجا با هم ببریم.

** فرید: دِ تو بیخود کردی. (مکت) راستشو بگو به مامانت گفتی پول نداریم؟

** سارا: نه.

** فرید: درست جوابمو بده. گفتی یا نه؟